



دوره ۵۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صفحات ۴۶۵ تا ۴۹۰ (مقاله پژوهشی)

تحلیل تحولات نوین مبارزه با پول‌شویی در سیاست کیفری ایران

محسن فُجاوند*

دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی و مدرس گروه حقوق دانشگاه اصفهان
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۲/۴)

چکیده

به موازات افزایش پیچیدگی بزه‌های اقتصادی، از جمله پول‌شویی سازمان‌یافته و نقش درحال‌افزایش اموال حاصل از ارتکاب بزه در تشکیل و تقویت گروه‌های سازمان‌یافته بزه‌کار در زمینه‌های مختلف مالی، تروریسم، قاچاق انسان و مواد مخدر، ارتقا و به‌روزرسانی قوانین کیفری ماهوی و شکلی به‌منظور مقابله با آن‌ها به‌عنوان ضرورتی انکارناپذیر مورد توجه اسناد بین‌المللی قرار گرفته است. قانون‌گذاران کشورمان نیز در راستای عمل به ضرورت مورد اشاره، ضمن اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی در سال ۱۳۹۷، سیاست‌های کیفری ماهوی و شکلی اتخاذی در اسناد بین‌المللی را به‌نحو چشم‌گیری وارد نظام حقوق کیفری ایران نموده‌اند. علی‌رغم دستاوردهای مثبت رویکرد مورد اشاره همچون متنوع‌سازی کیفر، پیش‌بینی قابلیت اعمال کیفر نسبت به اشخاص حقوقی و وضع کیفیات تشدیدکننده کیفر مرتکبان بزه پول‌شویی، کاستی‌هایی نیز همچون تداخل حوزه‌های وظایف نهادهای نظارتی و عدم کیفرگذاری مناسب برای معاونان بزه‌های مرتبط به چشم می‌خورد که عدم توجه به آن‌ها می‌تواند کارایی و کاربرد قانون اصلاحی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. از این‌رو، در پژوهش حاضر بر آنیم که با استفاده از روش تحقیقی تحلیل محتوا، ضمن تحلیل دستاوردهای سیاست کیفری نوین ایران و برخی اسناد بین‌المللی مرتبط، کاستی‌های آن‌ها را در رابطه با مبارزه با بزه پول‌شویی تبیین نموده و پیشنهادات مقتضی را بیان نماییم.

واژگان کلیدی

جرایم اقتصادی، پول‌شویی، اسناد بین‌المللی، سیاست کیفری، حقوق ایران.

مقدمه

پول‌شویی^۱ به‌عنوان مصداقی از جرائم اقتصادی^۲ در حقوق کیفری نوین با تکیه بر اوصاف پویایی و تنوع در روش‌های ارتکاب، نیازمند سیاست کیفری افتراقی و ویژه بوده و از این‌رو، بازنگری مداوم و به‌روزرسانی قوانین و مقررات ناظر بر آن گریزناپذیر می‌نماید. با وجود اختلاف نظر در خصوص تعریف بزه پول‌شویی در میان صاحب‌نظران، شاید بتوان با تجمیع تعاریف موجود، آن را عبارت از فرایندی دانست که به‌موجب آن شخص مرتکب از روی علم و به قصد رهایی از عواقب رفتار مجرمانه، منبع اصلی درآمدهای حاصل از اعمال مجرمانه را مخفی نگه داشته و به آن‌ها جلوه‌ای پاک و قانونی می‌بخشد. لزوم شفافیت عناصر متشکله بزه پول‌شویی و ابهام‌زدایی از مفهوم آن موجب گردیده است که قوانین بسیاری از کشورها به تبعیت از اسناد بین‌المللی موجود در این باره، ضمن خودداری از بیان تعریف مفهومی، تنها به بیان مصادیق رفتارهای فیزیکی ارتكابی بسنده نموده و راه هرگونه تفسیر و کلی‌گویی‌ای را پیرامون تعریف آن مسدود نمایند. قانون‌گذاران ایران نیز براساس رویه موجود، از بیان تعریف بزه پول‌شویی اجتناب نموده و با احصای مصادیق رفتارهای فیزیکی ارتكابی به معرفی آن مبادرت نموده‌اند. از این‌رو، ماده ۲ «قانون اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی» مصوب ۱۳۹۷/۰۷/۰۳ مقرر می‌دارد: «پول‌شویی عبارت است از: الف- تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرائم با علم به منشأ مجرمانه آن. ب- تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به‌منظور پنهان یا کتمان‌کردن منشأ مجرمانه آن با علم به اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم به دست آمده یا کمک به مرتکب جرم منشأ به‌نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود. پ- پنهان یا کتمان کردن منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشند». صرف‌نظر از ایرادات محتوایی و ابهامات ناشی از مترادف بودن

1. Money laundering

۲. مفهوم «جرائم اقتصادی» (Economic Crimes) به‌دلیل پیچیدگی عناصر تشکیل‌دهنده آن و نیز وابستگی قابل‌توجه به ساختار اقتصادی و سیاسی کشورها، از موضوعات غامض در حقوق کیفری نوین به‌شمار می‌رود. همین پیچیدگی و نسبت تعریف موجب گردیده است که تعریف مصداق‌محور از آن در قوانین داخلی کشورها مورد توجه بیشتری قرار گیرد (ابراهیمی و صادق‌نژاد ناینی، ۱۳۹۲: ۱۵۱). رویکرد قانون‌گذاران ایران نیز بر همین مبنا استوار گردیده است. بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با ارجاع موضوع به تبصره ماده ۳۶ همان قانون در خصوص جرائم غیرمشمول مرورزمان با بیان مصادیقی از جرائم اقتصادی از بیان تعریف معیارمحور خودداری نموده است. از میان مصادیق مورد اشاره در تبصره ماده ۳۶ با صراحت تمام از پول‌شویی سخن به میان آمده است که به‌خوبی می‌تواند جایگاه این بزه را در جرائم اقتصادی تأیید نماید. با این وجود، قید جرائمی همچون کلاهبرداری در کنار جرائم اقتصادی همواره به‌درستی مورد انتقاد بوده و نشان از عدم التفات قانون‌گذاران به تفاوت جرائم اقتصادی و «جرائم مالی» (Offences Against Property) دارد (سماواتی پیروز، ۱۳۹۰: ۶۵۹).

برخی اعمال فیزیکی مندرج در این ماده، رویکرد قانون‌گذار را باید منطبق بر اسناد بین‌المللی موجود در این زمینه و از جمله «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو ۲۰۰۰)»^۱ دانست.

اتصاف بزه پولشویی به وصف «جرم پنهان»^۲ و «جرم یقه‌سفیدها»^۳ موجب افزایش دشواری کشف آن و تعقیب مرتکبان احتمالی می‌گردد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). علاوه بر این، سازمان‌یافتگی در ارتکاب بزه پولشویی بر این پیچیدگی افزوده و ضرورت مبارزه جدی‌تری را در نظام حقوق کیفری ملی و بین‌المللی می‌طلبد. از سوی دیگر، ارتباط تنگاتنگ بزه پولشویی با پدیده شوم «تروریسم» و اتکای این پدیده بر منابع مالی ناشی از آن در سه دهه اخیر، ضرورت اتخاذ سیاست کیفری نوین و متناسب با واقعیت‌های موجود را بیش‌ازپیش هویدا ساخته است. این مهم در برخی مناطق جهان همچون منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در دو دهه اخیر، به‌راحتی ملموس بوده و فعالیت‌های گسترده و خانمان‌سوز گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش در این منطقه، جای هیچ‌گونه تردیدی را در لزوم مبارزه همه‌جانبه با بزه پولشویی باقی نمی‌گذارد. وقوع خسارت‌های فراگیر ناشی از بزه پولشویی در سرتاسر جهان، موجب تدوین اسناد بین‌المللی قابل توجهی با هدف مبارزه با پولشویی و جرائم سازمان‌یافته و تأمین مالی تروریسم گردید که به‌تدریج موجب انتقال مقررات تدوینی به نظام‌های حقوقی داخلی بسیاری گشته است. «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ وین»^۴، «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی مصوب ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰ پالرمو»^۵، «کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم مصوب ۷ اکتبر ۱۹۹۹»^۶، «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ مریدا»^۷ و «توصیه‌های چهل‌گانه گروه ویژه اقدام مالی (اف‌ای‌تی‌اف)»^۸ را می‌توان از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی موجود در این خصوص به‌شمار آورد.^۹ پیش‌بینی مقررات نوین در جهت مبارزه با پولشویی به‌عنوان یکی از

1. United Nations Convention against Transnational Organized Crimes, Palermo, 2000.

2. Silent Crime

3. White-Collar Crime.

4. United Nation Convention against Illicit Drugs and Psychotropic Substances, Vienna, 20 December 1988.

5. United Nations Convention against Transnational Organized Crimes, Palermo, 15 December 2000.

6. Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, New York, 9 December 1999.

7. United Nation Convention against Corruption, Merida, 31 October 2003.

8. Financial Action Task Force (FATF) Recommendations

۹. دولت ایران به‌موجب «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان» مصوب ۱۳۷۰/۰۹/۰۳ و «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد

از جرائم هدف در اسناد مورد اشاره از یکسو و وجود کاستی‌های متعدد در قانون مبارزه با پول‌شویی ایران مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۲ در زمینه سیاست‌های کیفری ماهوی و شکلی مبارزه با پول‌شویی از سوی دیگر، قانون‌گذار ایران را بر آن داشت تا با اصلاح اساسی قانون مورد اشاره به‌موجب قانون اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۹۷/۰۷/۱۳، سیاست کیفری ایران را در قبال مبارزه با بزه پول‌شویی با اسناد بین‌المللی موجود تطبیق داده و رویکرد کارآمدتری را در این باره اتخاذ نماید. بررسی رویکرد نوین قانون‌گذاران ایران در این خصوص، نشان از تدوین مقررات و اصول حقوقی نوینی دارد که پیش از این در حقوق ایران سابقه نداشته و یا وجود کم‌رنگی داشته‌اند. عمده پژوهش‌های ارزنده انجام‌یافته از سوی محققین پیرامون بزه پول‌شویی در ایران، شامل دو گروه می‌شود. گروه نخست، عبارت از پژوهش‌هایی است که معطوف به قانون پیشین (مصوب ۱۳۸۶) بوده و نوآوری‌های قانون اصلاحی در آن‌ها لحاظ نگردیده‌اند.^۱ گروه دوم، عبارت از پژوهش‌هایی است که علی‌رغم توجه به رویکرد نوین مبارزه با پول‌شویی تنها محدود به بررسی موضوع خاصی از قانون اصلاحی بوده و فاقد ارزیابی کلی پیرامون نوآوری‌های مندرج در آن است.^۲ از این‌رو، در نوشتار حاضر بر آنیم که سیاست کیفری نوین ایران را درخصوص مبارزه با پول‌شویی با دیدگاهی تطبیقی به اسناد بین‌المللی موجود به‌عنوان منبع اصلی تدوین قوانین جدید

برای مبارزه با فساد» مصوب ۱۳۸۵/۰۳/۲۱ به‌صورت قطعی به این دو کنوانسیون پیوسته است. لیکن درخصوص برخی دیگر، با وجود تصویب قوانین الحاق دولت ایران به آن‌ها از سوی مجلس شورای اسلامی، با توجه به ایرادات اعلامی از سوی شورای نگهبان و اصرار مجلس بر مصوبه خود، موضوع به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع گردیده و همچنان در فرایند بررسی قرار دارد. بنابراین، در صورت تأیید مجمع، دولت ایران می‌تواند به آن‌ها ملحق گردد. برای نمونه می‌توان به «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم» مصوب ۱۳۹۷/۰۷/۱۶ و «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پارمو)» مصوب ۱۳۹۶/۱۱/۰۴ اشاره نمود که با توجه به مخالفت شورای نگهبان با آن‌ها و اصرار مجلس بر مصوبه قبلی خود، هم‌اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حال بررسی است.

۱. به عنوان نمونه‌هایی ارزشمند از پژوهش‌های موجود می‌توان به مواردی چند اشاره نمود: سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید؛ ثالث مؤید، احمدعلی (۱۳۹۶)، *حقوق کیفری اقتصادی؛ پول‌شویی*، چ ۱، تهران: نشر میزان. عباسی، اصغر (۱۳۹۳)، *حقوق کیفری اقتصادی؛ پول‌شویی*، چ ۱، تهران: نشر میزان. حیدری، مسعود (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی جرم پول‌شویی در فقه، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ۵، ش ۳، صص ۹۰-۶۷. ساریخانی، عادل؛ فتحی، مرتضی (۱۳۹۴)، «عناصر موضوعی جرم پول‌شویی در قانون مبارزه با پول‌شویی ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۲، ش ۴ و ۵، صص ۲۵۶-۲۳۷.
۲. برای نمونه رک: رستمی، هادی (۱۳۹۸)، «تحصیل مال از طریق نامشروع در پرتو مقررات پول‌شویی»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۴۹، ش ۲، صص ۴۱۷-۳۹۷؛ نویسنده مقاله درصدد تبیین مفهوم بزه تحصیل مال از طریق نامشروع و تعیین جایگاه آن در قوانین موجود و از جمله قانون اصلاحی مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۹۷ بوده است.

داخلی، تبیین نماییم. با توجه به فراوانی موارد تغییر رویکرد قانون در این باره، لازم می‌نماید که سیاست کیفری نوین در خصوص مبارزه با پولشویی در دو مبحث «سیاست‌های کیفری ماهوی» و «سیاست‌های کیفری شکلی» ارزیابی شود و نقاط ضعف و قوت رویکرد نوین در رابطه با هریک از آن‌ها به‌نحو جداگانه‌ای تحلیل و در پایان پیشنهادات مقتضی بیان گردد.

۱. سیاست کیفری ماهوی مبارزه با پولشویی

مقابله کیفری با جرائم که می‌توان از آن به سیاست کیفری یاد نمود، واجد دو جنبه ماهوی و شکلی بوده و با بهره‌گیری از ابزارهای متفاوت در مقام واکنش در برابر پدیده مجرمانه برمی‌آید. بدیهی است که مقابله با هریک از جرائم شناخته‌شده در نظام حقوق کیفری مستلزم به‌کارگیری تدابیر مخصوص بوده و عدم توجه به متناسب‌سازی سیاست کیفری در قبال آن‌ها موجب کاهش کارایی تدابیر اتخاذی می‌گردد. در این رابطه می‌توان جنبه‌های ماهوی سیاست کیفری را عبارت از نحوه تعیین کیفر متناسب با هر جرم و شناسایی گستره مرتکبان مرتبط با جرم دانست (لازرز، ۱۳۹۰: ۱۹). پرواضح است که اتخاذ جنبه‌های ماهوی سیاست کیفری باید با لحاظ تحولات نوین رخ داده در رابطه با هر جرم صورت گرفته و در صورت نیاز، مورد بازنگری مقتضی قرار گیرد. رعایت این الزام در رابطه با جرائم نوین و دارای ساختار پیچیده همچون پولشویی دوچندان مورد انتظار است؛ زیرا هرگونه انفعال در قبال آن می‌تواند منجر به کاهش شدید کارایی و اثرگذاری سیاست اتخاذی گردد. واقعیت مورد اشاره در رابطه با بزه پولشویی، قانون‌گذاران ایران را بر آن داشت که تحت‌تأثیر تحولات بین‌المللی موجود با دست‌شستن از رویکرد نامتناسب و گاه فاقد مبنای علمی قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ در مسیر متناسب‌سازی سیاست کیفری در مقابله با این بزه خاموش و مخرب اقدام نموده و تغییرات بنیادینی را در خصوص قوانین کیفری ناظر بر آن رقم زنند. از این‌رو، فراوانی تغییرات ماهوی و شکلی سیاست کیفری نوین ایجاب می‌نماید که این مسئله، در دو مبحث مجزا مورد ارزیابی قرار گرفته و مبنای تطبیقی هریک با اسناد بین‌المللی مرتبط تحلیل گردد. بنابراین، در مبحث پیش رو تحولات ناظر بر سیاست کیفری ماهوی و پس از آن، تحولات مربوط به سیاست کیفری شکلی را از نظر می‌گذرانیم.

۱-۱. متناسب‌سازی کیفر بزه پولشویی

تناسب کیفر و بزه^۱ به‌عنوان نقطه اتصال حقوق کیفری و کیفرشناسی^۲ همواره مورد تأکید نظام‌های

1. Proportionality of Punishment

2. Penology

حقوق مختلف بوده و تا بدان جا اهمیت می‌یابد که عدم توجه به آن می‌تواند به معنای کاهش جدی دستاوردهای حقوق کیفری به شمار آید (صفاری، ۱۳۹۰: ۲۹). این مهم در رابطه با بزه‌های نوظهور و پیچیده‌ای همچون پول‌شویی با دشواری بیشتری حاصل می‌گردد؛ زیرا برآورد زیان‌ها و پیامدهای منفی ناشی از پول‌شویی به دلیل پنهان‌بودن بسیاری از جنبه‌های آن در عمل غیرممکن می‌نماید. تناسب کیفر تعیینی درخصوص بزه پول‌شویی همواره مورد تأکید اسناد بین‌المللی مرتبط قرار داشته و در قالب توصیه‌های تقنینی به دولت‌ها عرضه گردیده است (باقرزاده، ۱۳۹۴: ۳۱). با این وجود، توصیه‌های مورد اشاره هیچ‌گاه با تأکید صریح بر نوع خاصی از کیفر همراه نبوده است. برای نمونه، کنوانسیون پالرمو در بند ۱ ماده ۱۱ مقرر می‌دارد که دولت‌های متعاقد باید در قبال جرائم مشمول کنوانسیون و از جمله پول‌شویی با در نظر گرفتن شدت بزه ارتكابی، نسبت به تعیین کیفر اقدام نمایند. مقررۀ مشابهی در بندهای ۱ و ۳ کنوانسیون مقابله با فساد مریدا نیز مشاهده می‌گردد. شایان ذکر است که توصیه به متناسب‌سازی کیفر در قبال پول‌شویی به معنای توسل به کیفرهای خشن نبوده و مقصود تعیین کیفرهایی با حداکثر کارایی و اثربخشی در زمینه پیشگیری از وقوع آن است (Car & Jonson, 2013: 34). علی‌رغم فقدان پیشنهاد صریح کیفر معین در اسناد بین‌المللی می‌توان از مقررات مندرج در آن‌ها به صورت ضمنی، لزوم تعیین کیفر حبس را استنباط نمود. برای نمونه، به موجب بند ۴ ماده ۱۱ کنوانسیون پالرمو دولت‌ها ملزم گردیده‌اند که تا درخصوص اعطای تسهیلات ارفاقی همچون آزادی مشروط به مرتکبان، شدت بزه ارتكابی را در نظر گیرند. پرواضح است که چنین الزامی به‌طور ضمنی به معنای توصیه به تعیین کیفر حبس برای مرتکبان بزه‌های مشمول کنوانسیون و از جمله پول‌شویی است؛ زیرا اعطای آزادی مشروط به محکومان جز درخصوص کیفر حبس، فاقد موضوعیت بوده و از این رو، می‌توان لزوم تعیین کیفر حبس را استنباط نمود (عباسی، ۱۳۹۳: ۳۹۵).

درخصوص سایر کیفرهای قابل تعیین درخصوص بزه پول‌شویی، مطالعه اسناد بین‌المللی موجود نشان از آن دارد که تنها کیفر مصادره اموال و دارایی‌های حاصل از پول‌شویی مورد تأکید صریح قرار داشته و دولت‌ها به لزوم استفاده از آن در قوانین داخلی ملزم گردیده‌اند که این امر می‌تواند گویای اهمیت بنیادین کیفر مصادره درخصوص بزه پول‌شویی باشد. دلیل این اهمیت را شاید بتوان در این امر جستجو نمود که هدف اولیه از بزه‌انگاری پول‌شویی و تعیین کیفر برای مرتکبان آن، عبارت از جلوگیری از ورود اموال و دارایی‌های کثیف ناشی از عملیات مجرمانه به اقتصاد جوامع و آمیزش آن با دارایی‌های مشروع است (Bantekas, 2003: 25). ماده ۱۲ کنوانسیون پالرمو، دو دسته از اموال و دارایی را مشمول حکم مصادره قلمداد می‌نماید. نخست، اموالی که در راستای ارتكاب بزه مورد استفاده قرار گرفته و دیگر اموالی که در اثر اعمال مجرمانه حاصل

گردیده است. در همین راستا، بندهای ۳ و ۴ همین ماده، تبدیل اموال به دست آمده از ارتکاب بزه به اموال دیگر با ایجاد تغییر در آن‌ها را مانع مصادره ندانسته و بر لزوم محرومیت مرتکب از آن‌ها تأکید نموده است.

در خصوص کیفر جزای نقدی به عنوان کیفری قابل اعمال در خصوص مرتکبان بزه پولشویی علی‌رغم سکوت کنوانسیون‌های بین‌المللی و واگذاری انتخاب آن به قوانین داخلی کشورها، در قوانین نمونه تهیه شده از سوی برخی نهادهای بین‌المللی فعال در مبارزه با بزهکاری بر لزوم تعیین آن تأکید گردیده است. برای نمونه، می‌توان به «قانون نمونه مبارزه با پولشویی» مصوب ۱۹۹۹^۱ اشاره نمود. سند مورد اشاره توسط «نهاد برنامه جهانی مبارزه با پولشویی سازمان ملل متحد»^۲ تدوین گردیده و بخشی از مقررات پیشنهادی خود را به موضوع کیفرهای قابل اعمال و از جمله جزای نقدی اختصاصی داده است. بر این اساس، تعیین جزای نقدی باید حداقل به میزان ارزش عواید حاصل از جرم باشد تا از این طریق، متناسب‌سازی کیفر و پیشگیری از وقوع مجدد بزه مورد لحاظ قرار گیرد.

موضع قانون‌گذاران ایران در قبال توصیه‌های اسناد بین‌المللی در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ به نحوی منفعلانه انعکاس یافت. ماده ۹ قانون مورد اشاره، در خصوص کیفر بزه پولشویی تنها به مصادره اموال ناشی از پولشویی و جزای نقدی معادل یک چهارم عواید حاصله اشاره نموده و به‌طور آشکار، با مسامحه از کنار اصل تناسب کیفر و بزه گذشته بود.^۳ عدم تعیین کیفر حبس و تعیین جزای نقدی با معیاری فاقد مبنا و خودساخته و نیز استعمال نابجای اصطلاح «استرداد»^۴ به جای «مصادره»^۵ از جمله کاستی‌هایی بود که همواره مورد توجه حقوق‌دانان قرار می‌گرفت (ساریخانی و فتیحی، پیشین: ۲۵۱).

عدم پیش‌بینی کیفر متناسب برای مرتکبان پولشویی همچون حبس و جزای نقدی متناسب، موجب کاهش کارایی قانون گردید؛ به گونه‌ای که در طول مدت ۱۱ ساله اعتبار قانون، کیفر مقرر شده به ندرت موضوع احکام صادره از محاکم قضایی قرار گرفت. از سوی دیگر، شیوع بیش‌ازپیش پولشویی در ایران و حساسیت مراجع بین‌المللی فعال در زمینه مبارزه با پولشویی،

1. Model Legislation on Laundering, Confiscation and International Cooperation in Relation to Proceeds of Crime, 1999.

2. Global Program against Money Laundering (GPML)

۳. ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ مقرر می‌داشت: «مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) به جزای نقدی به میزان یک‌چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می‌شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد».

4. Refund

5. Confiscation

مانند «گروه ویژه اقدام مالی» (اف‌ای‌تی‌اف)^۱، قانون‌گذاران ایران را بر آن داشت که با اصلاح قانون پول‌شویی درصدد متناسب‌سازی کیفر مرتکبان پول‌شویی برآیند. بر این اساس، ماده ۹ قانون پول‌شویی اصلاحی ۱۳۹۷ ضمن تعیین کیفر حبس و جزای نقدی متناسب، با اتکا به نسبی‌گرایی در تعیین کیفر به درجه‌بندی آن در مواجهه با موارد مختلف پرداخت. بر این مبنا، مقرر گردید: «اصل مال و درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ و جرم پول‌شویی (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) مرتکبین جرم پول‌شویی مصادره می‌شود و همچنین چنانچه جمع اموال، درآمد و عواید مذکور تا ده میلیارد (۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال باشد، به حبس تعزیری درجه پنج و ارقام بیشتر از آن به حبس تعزیری درجه چهار و در هر دو مورد علاوه بر مجازات قبل، به جزای نقدی معادل وجوه یا ارزش مالی که مورد پول‌شویی واقع گردیده، محکوم می‌شوند»^۲. بنابراین، چنان‌که ملاحظه می‌گردد، برخلاف رویکرد پیشین، جزای نقدی باید معادل کلیه اموال و عواید حاصل از پول‌شویی باشد و معیار یک‌چهارم به‌درستی کنار گذاشته شده است. علاوه بر این، در اقدامی هماهنگ با اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی بسیاری از کشورهای دیگر، باتوجه به میزان عواید و اموال حاصله، کیفر حبس نیز تعیین گردیده است که به‌روشنی دلالت بر اصل فردی‌کردن کیفر و متناسب‌سازی آن با شدت و آثار بزه ارتكابی می‌نماید. از سوی دیگر، اصطلاح «استرداد» به‌درستی از متن قانون حذف گردیده و «مصادره» به‌عنوان مصداقی از کیفرهای مالی مورد استفاده قرار

۱. «گروه ویژه اقدام مالی (اف‌ای‌تی‌اف)» (Financial Action Task Force)، در سال ۱۹۸۹ توسط گروه صنعتی هفت موسوم به G-7 در پاریس تشکیل شد. این گروه که با هدف مقابله بین‌المللی با پدیده پول‌شویی تشکیل گردیده، در سال ۲۰۱۲ دامنه فعالیت خود را به موضوع تأمین مالی تروریسم نیز گسترش داده است. از جمله فعالیت‌های اساسی این گروه می‌توان به پیشنهاد اصول و قوانین نمونه ملی به دولت‌ها به‌منظور پیشگیری و مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم اشاره نمود که بیشتر در قالب توصیه‌های چهل‌گانه عرضه می‌گردد. افزایش روزافزون عضویت دولت‌ها در این نهاد بر قدرت حقوقی آن افزوده و امروزه با تعیین ضمانت‌اجراهای نظارتی و گاه تنبیهی از سوی این نهاد، شاهد افزایش اهمیت عضویت در آن و تأثیر این عضویت بر موقعیت اقتصادی و سیاسی دولت‌ها هستیم. دولت ایران نیز هم‌اکنون در کشاکش تصویب اسناد موردنظر این نهاد در نظام حقوقی داخلی است؛ به‌گونه‌ای که اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی و نیز قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را می‌توان از جمله اقدامات مورد توصیه این نهاد به شمار آورد. در خصوص الحاق دولت ایران به کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم علی‌رغم تصویب در مجلس شورای اسلامی باتوجه به مخالفت شورای نگهبان، موضوع هم‌اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام تحت بررسی است.

۲. حسب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حبس تعزیری درجه پنج معادل حبس بیش از دو تا پنج سال و حبس تعزیری درجه چهار معادل حبس بیش از پنج تا ده سال است.

گرفته است.^۱ با این وجود، کیفر مصادره اموال ناشی از پولشویی به حکم تبصره ۲ ماده ۹ قانون اصلاحی در صورتی قابلیت صدور دارد که «متهم به لحاظ جرم منشأ مشمول این حکم قرار نگرفته باشد».

۲-۱. تشدید کیفر پولشویی

از آنجا که میزان خطر ناشی از ارتکاب بزه همواره در تمامی حالات به یک میزان نیست، اصل بنیادین تناسب کیفر و بزه ایجاب می‌نماید که در صورت وجود برخی کیفیات و اوصاف، کیفر مرتکبان به میزان بیشتری تعیین شده و نسبت به فرض فقدان آن اوصاف، تشدید گردد. ارتکاب بزه پولشویی نیز از این قاعده برکنار نبوده و می‌تواند همراه با کیفیاتی باشد که میزان خطر و زیان باری ناشی از ارتکاب را افزایش دهد (Cox, 2014: 23). تدوین‌کنندگان اسناد بین‌المللی مرتبط با بزه پولشویی نیز از این حقیقت غافل نبوده و همواره بر تشدید کیفر مرتکبان آن در برخی موارد تأکید نموده‌اند. به‌عنوان نمونه، ارتکاب سازمان‌یافته جرم پولشویی می‌تواند به دلیل خطر و پیامدهای ناگوار بیشتر آن برای جامعه به‌عنوان یکی از کیفیات عینی تشدیدکننده کیفر مرتکبان به حساب آید. از این رو، بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون پالمو، ارتکاب جرائم موضوع کنوانسیون و از جمله پولشویی در قالب سازمان‌یافته را مستلزم توجه بیشتر دانسته و به دولت‌ها توصیه نموده است که در قوانین داخلی خود این عنصر مهم را مورد توجه قرار دهند. توضیح آنکه، گرچه مستند مورد اشاره صراحتی در لزوم تشدید کیفر ندارد، لیکن از فحوای آن استنباط می‌گردد که توجه ویژه به عنصر سازمان‌یافتگی باید موجب برخورد شدیدتر با مرتکبان بزه گردیده و تعیین کیفر متناسب با آثار منفی بیشتر آن نسبت به ارتکاب فردی و غیرسازمان‌یافته مدنظر قرار گیرد. در غیر این صورت، توجه بیشتر به عنصر سازمان‌یافتگی دستاورد و توجیه قابل توجه دیگری نخواهد داشت.

مطالعه قوانین داخلی ایران نشان می‌دهد که رویکرد نوین نظام حقوقی ایران در این باره علی‌رغم تحول قابل قبول نسبت به رویکرد پیشین، در دو مقوله جداگانه قابل بررسی می‌نماید. درخصوص کیفیات تشدیدکننده عام، قانون‌گذاران با ارجاع موضوع به قواعد عام تعدد و تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی تکلیف آن را روشن نموده‌اند. از این رو، ماده ۱۳ الحاقی به قانون مبارزه با پولشویی مقرر می‌دارد: «مجازات شروع به جرم، معاونت و شرکت در جرائم موضوع این قانون و مقررات راجع به تشدید و تخفیف مجازات، حسب مورد تابع قانون مجازات اسلامی

۱. استرداد در مفهوم تخصصی، به معنای تسلیم اموال حاصله از جرم یا مورد استفاده در ارتکاب جرم به مالک قانونی به حکم قانون است؛ در حالی که مصادره به معنای سلب مالکیت اموال حاصله از جرم از مرتکب و انتقال آن به مالکیت دولت است که برخلاف استرداد به عنوان مجازات مجرم به کار می‌رود (Elliot, 2006: 23).

است». صرف‌نظر از سایر موضوعات مندرج در این ماده، مقررات ناظر بر تشدید کیفر پول‌شویی تابع قانون مجازات اسلامی دانسته شده است. به نظر می‌رسد که مقصود از این مقررات کیفیات مشدده عام بوده که در حقوق ایران عبارت از تعدد و تکرار جرم است. بر این اساس، باتوجه به اینکه کیفر حبس مقررشده برای بزه پول‌شویی حسب مورد عبارت از حبس درجه چهار و پنج بوده و مقررات تعدد و تکرار جرم بر این درجات از کیفر حبس قابلیت اعمال دارند، در صورت تعدد ارتکاب بزه پول‌شویی و یا تکرار ارتکاب آن پس از اجرای کیفر پیشین، تشدید کیفر مرتکبان پول‌شویی با مشکل خاصی روبه‌رو نیست.^۱ بنابراین، رویکرد قانون‌گذاران در قبال این نوع از کیفیات تشدیدکننده از اصول و مقررات عام پیروی نموده و به بزه پول‌شویی همچون سایر عناوین مجرمانه نگریسته شده است.

باتوجه به افزایش پیچیدگی و خطر ارتکاب پول‌شویی به‌صورت سازمان‌یافته و دشواری بیشتر در کشف و نیز میزان بالای زیان‌های ناشی از آن (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۱۵۸). تبصره ۴ ماده ۹ قانون مبارزه با پول‌شویی ایران به پیروی از اسناد بین‌المللی پیش‌گفته در این خصوص مقرر می‌دارد: «در صورتی که جرم پول‌شویی به‌صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد، موجب تشدید در مجازات به میزان یک درجه خواهد بود». از توجه به مقرره فوق می‌توان نکاتی را بدین شرح استنباط نمود. نخست اینکه، باتوجه به تعیین کیفر حبس با درجه‌های متفاوت به‌عنوان کیفر بزه پول‌شویی، اعمال یک درجه کیفر بالاتر، تنها درخصوص کیفر حبس قابلیت اعمال داشته و درخصوص مصادره اموال و نیز جزای نقدی نسبی باتوجه به فقدان درجه‌بندی آن‌ها در رابطه با این بزه، اعمال تشدید امکان‌پذیر نیست. با این وجود، انتظار می‌رفت که در صورت ارتکاب سازمان‌یافته پول‌شویی

۱. به‌موجب ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در صورت تحقق تعدد معنوی میان بزه پول‌شویی و سایر عناوین مجرمانه، مرتکب به کیفر جرم اشد محکوم می‌گردد. در صورت تحقق تعدد مادی به‌موجب بندهای الف تا پ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳) باتوجه به مختلف یا مشابه‌بودن جرائم ارتكابی بدین نحو عمل می‌گردد: «الف- هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند. ب- در مورد جرائم مختلف هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هریک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است. پ- چنانچه جرائم ارتكابی مختلف بیش از سه جرم باشد، مجازات هریک حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هریک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند.»

در رابطه با تکرار جرم نیز ماده ۱۳۷ همان قانون (اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳) مقرر می‌دارد: «هرکس به‌علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرورزمان اجرای مجازات مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن محکوم کند.»

تدبیری اندیشیده می‌شد تا کیفر جزای نقدی نیز قابلیت تشدید می‌یافت و تناسب کیفر و بزه به نحو مطلوب‌تری رعایت می‌گردید. دوم آنکه براساس تبصره یک ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، مقصود از گروه مجرمانه که معادل سازمان‌یافتگی است عبارت از «گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر است که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد». بنابراین، جواز تشدید کیفر مرتکبان پولشویی منوط به تحقق شرایط مورد اشاره است (میرتایی و کشوریان، ۱۳۹۷: ۱۶۷). سوم آنکه برخلاف ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی که تشدید کیفر را تنها در رابطه با سردهسته گروه مجرمانه مقرر نموده، تشدید کیفر بزه پولشویی سازمان‌یافته نسبت به تمامی اعضای گروه مجرمانه قابل اعمال است.^۱ چهارم آنکه تشدید کیفر در این خصوص به اختیار مقام قضایی رسیدگی‌کننده واگذار نگردیده و باید به‌عنوان الزام قانونی بدان نگریسته شود. در نهایت، باتوجه به متغیر بودن درجه کیفر حبس قابل اعمال بر مرتکبان پولشویی براساس میزان عواید حاصل از جرم، تشدید کیفر به میزان یک درجه باید باتوجه به میزان عواید حاصل از جرم تعیین گردد.

۱-۳. پیش‌بینی کیفر اشخاص حقوقی

افزایش بیش‌ازپیش نقش اشخاص حقوقی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جوامع مدرن و مداخله تأثیرگذار برخی از آنها در ارتکاب بزه‌های گوناگون، قانون‌گذاران ملی و بین‌المللی را بر آن داشت که برخلاف قواعد سنتی، پا را از مسئولیت کیفری مدیران اشخاص حقوقی فراتر گذارده و با تدوین قواعدی مشخص در پی یافتن پاسخی کیفری در برابر اعمال مجرمانه اشخاص حقوقی برآیند. در این میان، نقش پررنگ‌تر اشخاص حقوقی در ارتکاب بزه‌های مالی و اقتصادی، نظام‌های حقوقی را قانع ساخت تا با رویکردی ویژه به این‌گونه بزه‌ها، در مقام کیفرانگاری برای اشخاص حقوقی بزهکار برآیند. از سوی دیگر، ارتباط تنگاتنگ بزه‌های سازمان‌یافته با اشخاص حقوقی و نقش پررنگ آنها در این‌گونه بزه‌ها، موجب گشت تا تدوین‌کنندگان اسناد بین‌المللی، ضمن تبیین قواعد ناظر بر مبارزه با بزه‌های سازمان‌یافته، واکنش مؤثر کیفری نسبت به اشخاص حقوقی دخیل در ارتکاب این جرائم را به‌نحو نظام‌یافته‌ای مورد

۱. ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «هرکس سردهستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد، به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد؛ مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی‌الارض زمانی که عنوان محاربه یا مفسد فی‌الارض بر سردهسته گروه مجرمانه صدق کند، حسب مورد به مجازات محاربه یا مفسد فی‌الارض محکوم می‌گردد».

توجه قرار دهند. سرآغاز رویکرد مورد اشاره را باید کنوانسیون پالرمو دانست.^۱ این کنوانسیون که در صدد تعیین راهکارهای مبارزه با بزه‌های سازمان‌یافته فراملی از جمله بزه پول‌شویی است، برخلاف اسناد بین‌المللی پیش از خود، توجه ویژه‌ای را به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مبذول داشته است. ماده ۱۰ کنوانسیون دولت‌های عضو را مکلف می‌نماید که طبق اصول حقوقی داخلی خود تدابیر لازم در رابطه با برقراری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دخیل در ارتکاب بزه‌های موضوع کنوانسیون را اتخاذ نموده و جدای از مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی بدان بنگرند. علاوه بر این، در بند ۴ ماده ۱۰ بر لزوم اتخاذ تدابیری جهت اصلاح ساختار اشخاص حقوقی بزه‌کار با بهره‌گیری از اقدامات اصلاحی و گاه غیرکیفری تأکید شده است. کنوانسیون پالرمو، سرآغاز تحول در این زمینه گردید؛ به‌گونه‌ای که در اسناد بین‌المللی پس از آن، موضوع مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌عنوان رکن ثابت در آن‌ها تلقی شده و مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه، می‌توان به ماده ۲۶ کنوانسیون مریدا اشاره نمود که با الفاظ و مقرراتی مشابه با کنوانسیون پالرمو به لزوم تعیین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخته است.^۲

حقوق کیفری ایران نیز تحت‌تأثیر اسناد بین‌المللی مورد اشاره و از طریق الحاق به برخی از آن‌ها در فرایند بازنگری در قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، با دست‌شستن از رویکرد سنتی تعقیب کیفری مدیران اشخاص حقوقی در قبال جرائم منتسب به این اشخاص، موضوع مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را با دایره شمول بیشتری مورد پذیرش قرار داد. بنابراین، فرایند پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که ابتدا در خصوص جرائم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ آغاز گردیده بود (عالی‌پور، ۱۳۹۰: ۵۲)، با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌نحو جامعی در تمامی جرائم تکمیل گردید. تغییر رویکرد مورد اشاره در نظام حقوق کیفری ایران در خصوص بزه پول‌شویی نیز صادق است. توضیح آنکه، با وجود سکوت قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶ در قبال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، در اصلاحات صورت‌گرفته در قانون مذکور در سال ۱۳۹۷، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال ارتکاب بزه پول‌شویی با صراحت تمام مورد پذیرش قرار گرفته و از این منظر به توصیه‌های مورد اشاره در اسناد بین‌المللی جامعه عمل پوشیده شده است. از این‌رو، تبصره ۵ ماده ۹ قانون اصلاحی مقرر می‌دارد: «در صورتی که اشخاص

۱. جالب آن است که پیش از تصویب کنوانسیون پالرمو، با وجود نقش فراگیر اشخاص حقوقی در جرائم فراملی همچون قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، اثر قابل‌توجهی از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مشاهده نمی‌گردید. برای نمونه می‌توان به «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان» مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ مشهور به کنوانسیون وین اشاره نمود که در آن اثری از موضوع مورد بحث ملاحظه نمی‌شود.

۲. شایان ذکر است که دولت ایران به‌موجب «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد (مریدا)» مصوب ۱۳۸۵ به کنوانسیون مورد اشاره ملحق گردیده است.

حقوقی مرتکب جرم پول‌شویی شوند، علاوه بر مجازات‌های مقرر در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد پول‌شویی واقع گردیده، محکوم می‌شوند». ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذاران در این خصوص با پیروی از رویکرد عام قانون مجازات اسلامی به تعیین کیفر اشخاص حقوقی مرتکب بزه پول‌شویی پرداخته‌اند. از این رو، بایسته می‌نماید که مقررات عام ناظر به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. ماده ۲۰ قانون اخیرالذکر در این خصوص مقرر می‌دارد: «در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده ۱۴۳ این قانون مسئول شناخته شود، باتوجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود. این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: الف- انحلال شخص حقوقی؛ ب- مصادره کل اموال؛ پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال؛ ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال؛ ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال؛ ج- جزای نقدی؛ چ- انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌ها».

از جمع دو مقررۀ فوق نکاتی بدین شرح قابل استنباط است. نخست اینکه تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی باید براساس ماده ۱۴۳ همان قانون بررسی گردیده و در صورت تحقق شرایط مقرر در آن نسبت به انتخاب یکی از موارد مذکور در ماده ۲۰ اقدام گردد. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست». بنابراین، هرگاه ارتکاب بزه پول‌شویی از سوی نمایندگان قانونی آن مانند مدیران و مدیرعامل شخص حقوقی یا نمایندگان قراردادی، مانند وکیل آن شخص صورت پذیرفته و ارتکاب بزه در راستای منافع و سیاست‌های شخص حقوقی باشد، می‌توان حکم به مسئولیت شخص حقوقی صادر نمود (شمس‌ناتری و دیگران، پیشین: ۳۵۶). دوم آنکه ارتکاب بزه می‌تواند تنها به نام شخص حقوقی صورت پذیرد؛ بدون آنکه در راستای منافع آن بوده باشد. دلیل برداشت فوق استعمال لفظ «یا» در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی است. بر این اساس، قانون‌گذار صرف این را که ارتکاب جرم به نام شخص حقوقی صورت گیرد، موجب تحمیل کیفر بر شخص حقوقی دانسته است؛ حتی اگر بزه ارتكابی در راستای منافع شخص حقوقی نبوده باشد. به نظر نگارنده، رویکرد مورد اشاره قابل انتقاد می‌نماید؛ زیرا ممکن است که شخص یا اشخاص مرتکب ضمن سوءاستفاده از نام شخص حقوقی و بدون اطلاع ارکان آن مرتکب بزه گردند که در

این صورت تحمیل کیفر بر شخص حقوقی چندان معقول و منصفانه نخواهد بود. این در حالی است که رویکرد مزبور در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی نیز به چشم نمی‌خورد. بنابراین، ضروری می‌نماید که قانون‌گذار ضمن اصلاح رویکرد موجود، عبارت «به نام یا در راستای منافع» را به عبارت «به نام و در راستای منافع» تغییر داده و از تحمیل غیرمنصفانه کیفر بر اشخاص حقوقی غیرمطلع از ارتکاب جرم جلوگیری نماید. بدیهی است که در چنین حالتی مجازات شخص یا اشخاص حقیقی مرتکب پابرجاست. بنابراین، باتوجه به اینکه قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ قانون مورد اشاره، اصل را بر مسئولیت شخص حقیقی گذارده است، باید در صورتی پا را از این اصل فراتر نهاد که اطمینان کافی از انتساب بزه به شخص حقوقی حاصل گردد. سوم آنکه باتوجه به الزام مقرر نسبت به تعیین جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر عواید حاصل از پول‌شویی در تبصره ۵ ماده ۹ قانون مبارزه با پول‌شویی، جزای نقدی مقرر در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی را باید از گزینه‌های قابل‌انتخاب خارج نمود؛ زیرا در قانون مبارزه با پول‌شویی کیفر جزای نقدی به‌نحو الزامی تعیین شده و موردی برای انتخاب اختیاری آن در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی وجود ندارد. بنابراین، علاوه بر محکومیت شخص حقوقی به جزای نقدی باید از میان سایر کیفرهای مقرر در ماده ۲۰ به تعیین کیفر پرداخت. چهارم آنکه به حکم ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی کیفر انحلال شخص حقوقی و مصادره کل اموال آن به‌عنوان یکی از گزینه‌ها در ماده ۲۰ تنها در صورتی قابل‌تعیین است که شخص حقوقی از ابتدا برای ارتکاب جرم به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، هدف خود را به‌طور منحصر در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد. در غیر این صورت، این دو کیفر تأثیرگذار نیز از گزینه‌های قابل‌تعیین خارج می‌گردد. واقعیت آن است که لزوم احراز شرط انحصار هدف مجرمانه به‌منظور ارتکاب جرم در این ماده، چندان قابل‌دفاع به نظر نمی‌رسد؛ زیرا بیشتر اشخاص حقوقی بزهکار به‌منظور عادی و مشروع جلوه‌دادن فعالیت‌های خود در کنار اعمال مجرمانه به انجام برخی اقدامات مشروع نیز مبادرت می‌ورزند که در این حالت علاوه بر دشوارتر بودن کشف اعمال مجرمانه، خطر و زیان ناشی از ارتکاب بزه نیز افزایش می‌یابد (Claterback, 2010: 16). بنابراین، لزوم انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال در این گونه موارد نیز به وضوح احساس می‌شود. بنابراین، شرط فاعلیت و هدف انحصاری در ارتکاب بزه در این ماده، غیرضروری به نظر می‌رسد. پنجم آنکه تحقق مسئولیت اشخاص حقوقی مانع پیگرد و به‌کیفر رساندن اشخاص حقیقی نبوده و در صورت تحقق ارکان بزه، کیفر مقرر در ماده ۹ قانون مبارزه با پول‌شویی درخصوص ایشان اعمال می‌گردد.

واپسین نکته در این خصوص آن است که قانون‌گذاران ایران در هر دو قانون مورد بررسی، ضرورت اصلاح ساختار^۱ شخص حقوقی را در مواردی که انحلال آن غیرممکن باشد، از نظر دور داشته‌اند و این در حالی است که اصلاح ساختار اشخاص حقوقی بزه‌کار پس از کشف بزه و کیفر بزه‌کار از ضروریات است تا از این رهگذر، موجبات تکرار بزه در ساختار مجرمانه پیشین به حداقل ممکن برسد (شریفی، ۱۳۹۷: ۳۳۲). از این رو، انتظار می‌رود موضوع اصلاح ساختار اشخاص حقوقی بزه‌کار برحسب ضرورت و توصیه‌های اسناد بین‌المللی مورد توجه جدی قرار گیرد تا ضریب تکرار بزه به حداقل ممکن کاهش یابد.

۴-۱. گسترش دایره شمول اشخاص وابسته به بزه پول‌شویی

اهمیت بسزای جلوگیری از ارتکاب بزه پول‌شویی در صیانت از امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور ایجاب می‌نماید که علاوه بر مرتکب اصلی بزه، کلیه اشخاص مرتبط با آن نیز قابلیت پیگرد و کیفر داشته باشند. اهمیت این مقوله به میزانی است که اسناد بین‌المللی موجود، مسئولیتی برابر با مرتکب اصلی را برای برخی از اشخاص مرتبط با بزه در نظر گرفته‌اند. برای نمونه، بند ب ماده ۶ کنوانسیون پالمو بدون اشاره مستقیم به برابری مسئولیت معاون و شریک بزه پول‌شویی، اقداماتی همچون مشارکت، تسهیل ارتکاب بزه و تبانی و معاونت در آن را در حکم پول‌شویی دانسته و کیفری یکسانی را برای آنان و مرتکب اصلی مقرر نموده است. دلیل اتخاذ این رویکرد را می‌توان تأثیر برابر و گاه بیشتر شریک و معاون بزه پول‌شویی در ارتکاب آن دانست؛ زیرا اشخاص وابسته به منزله مغز متفکر ارتکاب بزه بوده و خطر اقدامات آنان اگر بیش از مرتکب اصلی نباشد، کمتر نیز نخواهد بود (Sendip, 2001: 34).

رویکرد اتحادی نظام حقوقی ایران در خصوص انواع اشخاص وابسته به بزه، متفاوت است. در خصوص شرکای بزه، قانون اصلاحی مبارزه با پول‌شویی در ماده ۱۳ خود، مسئولیت شریک بزه را با ارجاع به موازین قانون مجازات اسلامی تعیین نموده است. تدقیق در رویکرد قانون‌گذاران در قانون مجازات اسلامی نشان از پذیرش مسئولیت برابر شریک بزه با مرتکب اصلی دارد. (ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی). بنابراین، رویکرد قانون ایران در این خصوص منطبق با اسناد بین‌المللی بوده و قابل دفاع است.

در خصوص مسئولیت معاون بزه پول‌شویی در قوانین ایران، حسب ماده ۱۳ همان قانون، تعیین کیفر معاون به قانون مجازات اسلامی واگذار گردیده است. توضیح آنکه باتوجه به تعزیری بودن بزه پول‌شویی و با لحاظ مقررات ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی، تعیین کیفر معاون باید یک تا

دو درجه پایین‌تر از کیفر مرتکب اصلی صورت پذیرد. بنابراین، باتوجه به تعیین کیفر تعزیری درجه چهار و پنج در ماده ۹ قانون مبارزه با پول‌شویی برای مرتکب اصلی، کیفر معاون پول‌شویی باید یک تا دو درجه پایین‌تر باشد. چنان‌که ملاحظه می‌گردد قانون‌گذاران کشورمان در تعیین کیفر معاون بزه پول‌شویی، رویکرد کیفر خفیف یا «مسئولیت تقلیل یافته»^۱ را اتخاذ نموده و در این زمینه برخلاف رویکرد موجود در اسناد بین‌المللی مرتبط، اقدام نموده‌اند. این در حالی است که توصیه اسناد بین‌المللی به قانون‌گذاران ملی در قبال تعیین کیفر برای معاونان بزه پول‌شویی، همواره مبتنی بر برابری کیفر آنان با مرتکب اصلی این بزه بوده و توجه به رویکرد مسئولیت تقلیل یافته در این اسناد در قبال معاون چندان مرسوم نیست. بنابراین، انتظار می‌رود قانون‌گذاران کشورمان در راستای توصیه‌های اسناد بین‌المللی در تعیین کیفر معاون بزه پول‌شویی، مانند رویکرد اتخاذی پیرامون شرکای بزه، عمل نموده و به منظور افزایش ضریب پیشگیری از معاونت در ارتکاب پول‌شویی رویکرد برابری کیفر معاون و مرتکب اصلی را مدنظر قرار دهند.

درخصوص شروع به ارتکاب بزه پول‌شویی، باتوجه به ارجاع موضوع به قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۲ قانون مبارزه با پول‌شویی و با لحاظ کیفر تعیین شده برای ارتکاب آن (حبس تعزیری درجه چهار یا پنج)، برحسب بندهای ب و پ ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی، کیفر تعزیری قابل تعیین، یک درجه خفیف‌تر از کیفر ارتکاب بزه اصلی و تمام شده است.

۱-۵. رعایت حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت

پیچیدگی و مرکب بودن عملیات مادی بزه پول‌شویی و طی مراحل سه‌گانه تزیق عواید حاصل از بزه به شبکه مالی رسمی (جای‌گذاری)^۲، جداسازی عواید مجرمانه از منشأ غیرقانونی آن (لایه‌گذاری)^۳ و فراهم‌سازی پوشش و ظاهری قانونی برای عواید حاصل از بزه (یکپارچه‌سازی)^۴ موجب می‌گردد که عواید حاصله از ارتکاب بزه منشأ، به صورت گوناگون با اموال و دارایی‌های اشخاص ثالث ممزوج گردد (حاجی و سایبانی، ۱۳۹۸: ۹۰). بدیهی است هرگاه امتزاج اموال کثیف ناشی از بزه با اموال شخص ثالث با علم و اطلاع وی صورت پذیرفته باشد، نام‌برده خود می‌تواند به‌عنوان کمک به مخفی‌سازی عواید حاصل از بزه، تحت پیگرد قانونی قرار گیرد و علاوه بر کیفر شخصی، اموال خود را در معرض مصادره خواهد دید. با این وجود، امتزاج عواید حاصل از بزه با اموال اشخاص ثالث، همواره توأم با نیت سوء و آگاهی آنان نبوده، بلکه در اثر نقل و انتقال

1. Diminished Responsibility
2. Placement
3. Layering
4. Integration

اموال و معاملات معوض صورت می‌گیرد. بدیهی است که رویکرد اتخاذی در قبال چنین اشخاصی نمی‌تواند با رویکرد پیشین یکسان باشد. منطق و عدالت قضایی ایجاب می‌نماید که با پیش‌بینی سازوکارهایی، در مقام استیفای حقوق اشخاص ثالث با حسن‌نیت برآمده و از مصادره اموال ایشان جلوگیری به عمل آید. از این رو، اسناد بین‌المللی مرتبط با بزه پولشویی همواره با اختصاص مقرراتی در این خصوص، بر لزوم صیانت از حقوق نام‌برندگان تأکید نموده‌اند. برای نمونه، در توصیه‌های چهل‌گانه گروه ویژه اقدام مالی منتشرشده در سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۳ بر لزوم اتخاذ تمهیدات لازم در فرایند مصادره اموال ناشی از بزه به‌منظور رعایت حقوق اشخاص ثالث با حسن‌نیت، تأکید شده است (FATF, 2003: 7). مقررات مشابهی نیز در بند ۸ ماده ۱۲ کنوانسیون پالرمو و بند ۹ ماده ۳۱ کنوانسیون مریدا مشاهده می‌گردد. نکته قابل‌ذکر در این خصوص آن است که علی‌رغم توصیه‌های مکرر مبنی بر لزوم رعایت حقوق اشخاص ثالث با حسن‌نیت در اسناد بین‌المللی، سازوکار اجرایی خاصی برای اعمال آن پیش‌بینی نشده و اتخاذ سازوکار اجرایی در این باره به حقوق داخلی کشورها واگذار گردیده است.

در حقوق ایران، علی‌رغم عدم توجه قانون‌گذار به این مقوله در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶، در قانون اصلاحی به پیروی از اسناد بین‌المللی، موضوع حمایت از حقوق اشخاص ثالث با حسن‌نیت مورد توجه خاص قرار گرفته است. از این رو، تبصره ۶ ماده ۱۰ قانون اصلاحی مقرر می‌دارد: «چنانچه این اموال متعلق به غیر باشد و در دادگاه صالحه مشخص شود که بدون اطلاع مالک استفاده شده یا اینکه مالک رضایت نداشته و این امر را به مراجع قانونی اعلام نموده یا اینکه امکان اعلام نداشته است، به مالک آن مسترد می‌شود». در این رابطه می‌توان دو پرسش را مطرح نمود. نخست اینکه اثبات سوءنیت ثالث از سوی مقام تعقیب یا رسیدگی لازم است یا اینکه اثبات حسن‌نیت را باید برعهده خود شخص ثالث قرار داد؟ به نظر می‌رسد با توجه به سکوت قانون در این باره، با اتکا به اصل صحت و بی‌گناهی اشخاص، مقام تعقیب باید در مقام اثبات سوءنیت و اطلاع ثالث از ماهیت مجرمانه عواید ناشی از بزه برآید و در صورت اثبات، حکم به مصادره آن داده و گرنه حکم به استرداد اموال صادر نماید. با این وجود، با توجه به حذف اصل صحت مندرج در ماده ۱ قانون سابق و رویکرد سخت‌گیرانه قانون اصلاحی در فرایند کشف پولشویی و تعقیب مرتکب آن، استنباط مذکور چندان قاطع نبوده و دیدگاه مخالف مبنی بر فرض اطلاع و آگاهی مرتکب از غیرقانونی بودن اموال و دارایی‌ها و لزوم اثبات حسن‌نیت از جانب متهم نیز خالی از قوت نیست. بنابراین، انتظار می‌رود موضوعی با این درجه از اهمیت با شفافیت بیشتری مورد توجه قرار گرفته و راه بر هرگونه اقدامات و رویه‌های متشتت در این باره مسدود گردد؛ زیرا ابهام در این خصوص می‌تواند در بسیاری از موارد موجب نقض حقوق شهروندی

اشخاص و کاهش امنیت قضایی آنان در جامعه گردد. پرسش دوم آن است که فرایند قانونی رسیدگی به این موضوع چگونه خواهد بود. به نظر می‌رسد باتوجه به سکوت قانون مبارزه با پول‌شویی بتوان با اتکا به مقررات اعتراض ثالث در قانون آیین داری مدنی مصوب ۱۳۷۹ و قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ به موضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر نمود. شایان ذکر است که رسیدگی به این مقوله در هر حال باید در دادگاه کیفری‌ای به عمل آید که دستور مصادره اموال را صادر نموده است.

۲. سیاست کیفری شکلی مبارزه با پول‌شویی

علاوه بر سیاست کیفری ماهوی مبارزه با پول‌شویی به شرح پیش‌گفته، سیاست کیفری شکلی در رویکرد نوین قانون‌گذاران ایران در قانون اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی نیز از اهمیت بالایی برخوردار بوده و به‌نوعی نقش تکمیل‌کننده سیاست کیفری ماهوی در این خصوص را برعهده دارد. از این رو، مهم‌ترین مصادیق این سیاست‌ها که در پی تسهیل پیشگیری از وقوع بزه پول‌شویی و اثبات آن در صورت وقوع است نیز شایسته بررسی به نظر می‌رسد.

۲-۱. تسهیل اثبات بزه پول‌شویی

اصل بی‌گناهی اشخاص به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در تمامی نظام‌های حقوقی به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که امروزه کمتر نظام حقوقی مدنی‌ای را می‌توان یافت که در پذیرش آن تردید به خود راه دهد. اصل بی‌گناهی واجد آثار تقنینی و قضایی قابل‌توجهی است. از منظر تقنینی اثر این اصل را باید عبارت از «اصل قانونی بودن بزه و کیفر» دانست که به‌موجب آن هیچ عملی مجرمانه تلقی نمی‌گردد؛ مگر اینکه در قانون به‌عنوان بزه بدان تصریح شده باشد (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۸). از منظر قضایی شاید بتوان مهم‌ترین اثر این اصل را عبارت از مکلف‌نمودن مقام تعقیب به اثبات مجرمیت و جمع‌آوری ادله بزهکاری متهم و معافیت نام‌برده از اثبات بی‌گناهی خود دانست (رحیمی و رحیمی دهمسوری، ۱۳۹۶: ۵). علی‌رغم وفاق بین‌المللی در خصوص به‌رسمیت‌شناخته‌شدن این اصل در اسناد بین‌المللی همچون ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و قوانین داخلی کشورها همچون اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجرای مطلق آن در خصوص برخی بزه‌های سازمان‌یافته و پنهان همچون پول‌شویی با تردید جدی روبه‌رو گردیده است. توضیح آنکه، به‌دلیل مشکلات عملی ناشی از اثبات یقین‌آور بزه پول‌شویی در بسیاری موارد و پیچیدگی فنی و حقوقی عملیات مجرمانه متشکله بزه، اسناد بین‌المللی بدون کنارگذاشتن کلی این اصل و عمل مطلق به آن با اتخاذ رویکردی بینابین نسبت به تعدیل اصل بی‌گناهی اشخاص در رابطه با

متهمان بزه پول‌شویی اقدام نموده‌اند. بر این اساس، در صورت وجود قراین و ظن قوی به ارتکاب پول‌شویی، به شرط تقدیم ادله تشکیل‌دهنده ظن، مقام تعقیب از اثبات بزهکاری متهم پول‌شویی معاف گردیده و این شخص متهم است که باید بی‌گناهی خود و مشروعیت اموال تحصیل‌شده را اثبات نماید. تحول مورد اشاره که از آن به «تقدم اماره بزهکاری بر اصل بی‌گناهی» یاد می‌شود، در موارد متعددی همچون بند ۷ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۸۸ وین، بند ۷ ماده ۱۲ کنوانسیون پالرمو و بند ۸ ماده ۳۱ کنوانسیون مریدا مورد تأکید قرار گرفته و در صورت وجود قراینی همچون اثبات بزه منشأ و ارتباط متهم با بزهکاران، به دولت‌ها توصیه شده است.

در ایران، قانون‌گذاران در اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی، ضمن حذف اصل صحت در ماده ۱ قانون مصوب ۱۳۸۶^۱، به شرط وجود امارات مشکوک، تعدیل اصل بی‌گناهی را مورد پذیرش قرار داده و رویکرد مطلق به این اصل را تعدیل نموده‌اند. بر این اساس، به‌موجب تبصره ۱ ماده ۲ قانون اصلاحی، «هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد، مانند آنکه نوعاً و باتوجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد، مسئولیت اثبات صحت آن‌ها برعهده متصرف است. منظور از علم در این تبصره و تبصره ۲ همان است که در قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی تعریف شده است». شایان ذکر است که قلمرو اجرایی مستند مورد اشاره تنها محدود به بزه پول‌شویی نبوده و باید باتوجه به سایر عناوین اتهامی موجود در قوانین جزایی ایران همچون تحصیل مال از طریق نامشروع تفسیر گردد. باتوجه به جرم‌انگاری جداگانه پول‌شویی و تحصیل مال از طریق نامشروع در قوانین کشورمان به نظر می‌رسد که هرگاه ظن نزدیک به علم نسبت به تحصیل مال از طریق مجرمانه حاصل گردد، عنوان اتهامی اشخاص را باید پول‌شویی دانست. در مقابل، هرگاه مشروعیت اموال و دارایی‌های اشخاص باتوجه به قراین و امارات معقول مورد تردید قرار گرفته و در عین حال، تحصیل آن‌ها از طریق جرم خاصی نیز معلوم نباشد، شخص متصرف مکلف است که مشروعیت دارایی و اموال موردنظر را اثبات کند و در غیر این صورت، به مجازات جرم تحصیل مال از طریق نامشروع محکوم می‌گردد. (رستمی، ۱۳۹۸: ۴۱۰). این تغییر رویکرد که با مخالفت شورای نگهبان روبه‌رو شد، پس از ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام و با لحاظ واقعیت‌های حاکم بر بزه پول‌شویی مورد تأیید مجمع قرار گرفت. با تفکیک صورت‌گرفته، به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده از این رویکرد تعدیل‌شده باید موارد اعمال آن را محدود به

۱. ماده ۱ قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶ مقرر می‌داشت: «اصل بر صحت و اصالت معاملات تجاری موضوع ماده ۲ قانون تجارت است؛ مگر اینکه براساس مفاد این قانون خلاف آن به اثبات برسد. استیلائی اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر مالکیت است».

معاملات مشکوک نمود. معاملات و عملیات مالی بیش از حد مورد انتظار ارباب رجوع، کشف جعل و اظهارات کذب در حین، قبل یا بعد از انجام معاملات، معاملات صوری و خلاف واقع و معاملات بیش از مبالغ مندرج در آیین‌نامه قانون از جمله مواردی به شمار می‌روند که در بند ج ماده ۱ قانون اصلاحی قید گردیده‌اند که همگی دلالت بر لزوم وجود قراین قوی داشته و در مواردی غیر از آن، اعمال رویکرد جدید دشوار به نظر می‌رسد.

۲-۲. نهادهای تخصصی نظارتی و توسعه ضابطان خاص

افزایش پیچیدگی در عملیات مادی پول‌شویی و سازمان‌یافتگی بیش‌ازپیش ارتکاب این بزه از یک‌سو و استفاده روزافزون از فناوری‌های نوین همچون روش‌های نوین نقل و انتقال پول و سرمایه از سوی دیگر، قانون‌گذاران را بر آن داشت که با ایجاد نهادهای تخصصی نظارتی و کاشف نسبت به به‌روزرسانی اقدامات پیشگیرانه اقدام نمایند. از این‌رو برای نمونه، ماده ۵۸ کنوانسیون مریدا بر لزوم ایجاد واحد اطلاعات مالی ویژه در جهت نظارت بر عملیات مالی مشکوک و کشف به‌هنگام آن‌ها و نیز بازگرداندن وجوه غیرقانونی تحصیل‌شده به چرخه سالم اقتصادی تأکید نموده است. با این وجود، گسترش ضابطان قضایی خاص نیز در این مسیر همواره مورد توجه بوده است؛ ضرورتی که مبنای ایجاد نهادهایی همچون گروه ویژه اقدام مالی را فراهم آورد (Madinger, 2009: 15).

در ایران، قانون اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی با دو تحول قابل‌ذکر درصدد عمل به توصیه‌های بین‌المللی برآمد. نخستین اقدام در این باره، تأسیس نهاد نظارتی «مرکز اطلاعات مالی» است. این نهاد که زیرنظر «شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرائم پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم» اقدام می‌نماید، براساس بند الف ماده ۷ مکرر قانون اصلاحی، مسئولیت دریافت، نگهداری، تجزیه و تحلیل و ارزیابی اطلاعات و بررسی معاملات و عملیات مشکوک، ردیابی جریان وجوه و انتقال اموال با رعایت ضوابط قانونی و گزارش معاملات و عملیات مشکوک به پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را برعهده داشته و به‌عنوان نهادی تخصصی در این زمینه به شمار می‌رود. اطلاعات به‌دست‌آمده توسط این نهاد باید به نهادهای قضایی ارسال شده و نهادهای دولتی، عمومی و حتی خصوصی مختلف مکلف به همکاری با آن باشند (مواد ۵ و ۶ قانون اصلاحی). با این وجود، تأسیس این نهاد به معنای سلب صلاحیت نظارتی نهادهای عام، همچون سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات نخواهد بود، بلکه نهادهای مورد اشاره در کنار انجام وظایف قانونی خود مکلف به همکاری با مرکز اطلاعات مالی هستند (رحیمی و خوینی، ۱۳۹۴: ۱۰). با این وجود می‌توان عدم شفاف‌سازی حدود اختیارات نهادهای نظارتی عام در زمینه مبارزه با پول‌شویی

را به‌عنوان یکی از نقاط ضعف رویکرد جدید قانون اصلاحی به شمار آورد؛ زیرا این امکان همواره متصور است که اقدامات نهادهای نظارتی عام در مواردی موجب انجام موازی‌کاری و تداخل وظایف آن‌ها با نهاد تخصصی مرکز اطلاعات مالی گردیده و در نتیجه مبارزه با پول‌شویی گرفتار ناهماهنگی‌های ناشی از تداخل وظایف نهادهای نظارتی گردد. بنابراین، انتظار می‌رود که قانون‌گذاران به‌روشنی حدود وظایف هر یک از این نهادهای متعدد را تعیین نموده و از بروز معضل مذکور در عرصه مبارزه با پول‌شویی جلوگیری نمایند.

اقدام دوم در این راستا، افزایش دایره شمول ضابطان خاص دادگستری در جرائم مربوط به بزه پول‌شویی است. از این‌رو، تبصره ۳ ماده ۷ مکرر قانون اصلاحی مقرر می‌دارد: «علاوه بر ضابطان عام، وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در جرائم این قانون و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ضابط دادگستری تلقی می‌شوند». بنابراین، اقدامی که پیش از این به‌عنوان اقدامی موقت در ماده ۲۰۲ قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۱۳۸۹ در خصوص ضابط تلقی نمودن نهادهای مورد اشاره در جرائم اقتصادی و از جمله پول‌شویی صورت گرفته بود، (طحان نظیف و هادی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۴)، باتوجه به اعتقاد برخی حقوق‌دانان به ماهیت غیردائمی مقررات برنامه‌های توسعه، به‌صورت دائمی درآمده و جزئی از وظایف ذاتی و قانونی این نهادها محسوب می‌گردد.

۲-۳. پیش‌بینی توقیف و مصادره مدنی (پیشگیرانه)

مصادره و توقیف اموال و عواید ناشی از پول‌شویی همواره به‌عنوان کارآمدترین کیفر قابل‌اعمال بر مرتکبان و وابستگان بزه پول‌شویی در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی مورد توجه قرار داشته است؛ زیرا محرومیت بزه‌کاران از عواید مالی ناشی از بزه می‌تواند موجب خنثی‌سازی قسمت عمده‌ای از خطرات برآمده از بزه پول‌شویی گردد (Aldridge, 2003: 2). از این‌رو، بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون پالرمو و بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون مریدا بر لزوم استفاده از این راهکار تأکید فراوان نموده‌اند. با این وجود، نحوه به‌کارگیری راهکار مورد اشاره و میزان تأثیرگذاری آن به مدل‌های مختلف آن بستگی دارد. به‌طور کلی، مدل‌های حقوقی مصادره اموال در رابطه با بزه پول‌شویی از دو نوع خارج نیستند. در مدل نخست که از آن به مدل بریتانیایی یاد می‌شود، از جنبه کیفری، صدور دستور مصادره و توقیف اموال مشکوک، منوط به وجود محکومیت قطعی کیفری است و لذا، صدور این دستور بدون وجود شرط مذکور میسر نیست. مدل مورد اشاره که در بسیاری کشورها مرسوم است، واجد این ایراد است که باتوجه به طولانی‌بودن فرایند قانونی تعقیب متهمان، نام‌برندگان فرصت کافی خواهند یافت تا با انجام اقدامات متعددی موجبات عدم دستیابی به اموال مشکوک را فراهم آورند که به‌وضوح می‌تواند موجب کاهش کارایی مصادره گردد.

از این رو، مدل دیگری در این رابطه مطرح گردیده است که از آن به مدل آمریکایی یا «مصادره مدنی»^۱ یاد می‌شود. در این مدل مقامات قضایی پیش از محکومیت متهم به جنبه کیفری پول‌شویی، می‌توانند اموال مشکوک را توقیف نموده و سپس از مالک یا متصرف بخواهند که مشروع بودن آن‌ها را اثبات نماید (Chaikin, 1992: 448). مدل مذکور فاقد ایرادات مربوط به مدل بریتانیایی است و در راستای تعدیل اصل بی‌گناهی نیز قابل تحلیل می‌باشد. وجود اثر ناتوان‌سازی این مدل و ضریب اطمینان بیشتر آن موجب گردیده است که به‌عنوان راهکاری تأثیر گذار و ضروری مورد توصیه اسناد بین‌المللی قرار گیرد. برای نمونه، در توصیه سوم از توصیه‌های چهل‌گانه گروه ویژه اقدام مالی در سال ۲۰۰۳ مصادره اموال مشکوک به حصول از طریق پول‌شویی بدون نیاز به صدور حکم محکومیت کیفری مورد توصیه قرار گرفته و بر مزایای آن در راستای مبارزه با پول‌شویی تأکید گردیده است (FATF, 2003: 2).

در راستای توصیه‌های بین‌المللی مورد اشاره و فواید ناشی از رویکرد مصادره مدنی، قانون‌گذاران ایران نیز در فرایند اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی در سال ۱۳۹۷، رویکرد سنتی مبتنی بر لزوم محکومیت کیفری پیشین متهم را کنار گذاشته و ضمن پذیرش تعدیل اصل بی‌گناهی به شرح پیش‌گفته، امکان مصادره اموال مشکوک را پیش از حصول محکومیت کیفری متهم مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین، تبصره ۲ ماده ۲ قانون اصلاحی مقرر می‌دارد: «داراشدن اموال موضوع این قانون منوط به ارائه اسناد مثبت می‌باشد. علاوه بر این، چنانچه ارزش اموال مزبور بیش از ده میلیارد ریال برای سال پایه و معادل افزایش یافته آن براساس نرخ تورم برای سال‌های بعد باشد، وجود سابقه از آن در سامانه‌های مربوطه مطابق قوانین و مقررات لازم است. عدم تقدیم اسناد مثبت که قابل‌راستی‌آزمایی باشد، به حکم دادگاه مستوجب جزای نقدی به میزان یک‌چهارم ارزش آن اموال خواهد بود. در این صورت اصل مال موضوع قانون تا زمان رسیدگی قضایی توقیف می‌شود. چنانچه پس از رسیدگی اثبات شود داراشدن مشروع بوده، از مال رفع توقیف و در غیر این صورت ضبط می‌شود». درخصوص مقرر فوق نکاتی چند قابل‌ذکر می‌نماید. نخست اینکه برخلاف برخی نظام‌های حقوقی دیگر، توقیف و مصادره نهایی اموال مشکوک در صلاحیت انحصاری مقامات قضایی بوده و سایر مقامات از جمله مقامات دولتی و اداری از چنین اختیاری برخوردار نیستند. دوم آنکه اعمال این راهکار منوط به وجود قراین و اماراتی است که به‌نحو عقلانی دلالت بر نامشروع بودن احتمالی اموال مشکوک نماید. در غیر این صورت، باتوجه به اصل

۴۷ قانون اساسی، این اقدام، تعرض به مالکیت مشروع شخصی و ممنوع است.^۱ سوم آنکه مبلغ مذکور در این مقررہ باید هر سال مورد بازبینی نهادهای ذی ربط که به نظر می‌رسد هیئت وزیران باشد، قرار گیرد تا موجبات حفظ تناسب آن با واقعیت‌های اقتصادی و افزایش کارایی قانون فراهم گردد. نکته پایانی آنکه این فرصت باید در اختیار متهم قرار داده شود تا بتواند خلاف امارات موجود را به اثبات رسانیده و از مصادره دائمی اموال توقیف‌شده متعلق به خود، جلوگیری نماید.

نتیجه‌گیری

افزایش پیچیدگی ارتکاب بزه پولشویی در جهان امروز از یک سو و ورود بیش‌ازپیش عواید ناشی از اعمال مجرمانه به عرصه تأمین مالی گروه‌های سازمان‌یافته بزهکار در زمینه‌های مالی و تروریسم از سوی دیگر، تدوین‌کنندگان اسناد بین‌المللی را بر آن داشت تا با تدوین قوانین و مقررات بازدارنده و متناسب با ساختار پیچیده بزه پولشویی، درصدد ترویج این مقررات از طریق توصیه به دولت‌ها برآیند. دولت ایران نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی کشورمان و تأثیر فراوان فعالیت گروه‌های سازمان‌یافته تروریستی فعال در منطقه خاورمیانه و نقل و انتقال مواد مخدر با تصویب بسیاری از اسناد بین‌المللی موجود، به جریان مورد اشاره پیوسته و در مقام اصلاح قوانین داخلی برآمده است. از مهم‌ترین اقدامات صورت‌گرفته در این راستا می‌توان به تصویب قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی در سال ۱۳۹۷ اشاره نمود. تحولات بنیادین روی داده در این قانون به میزانی است که برخی اصول و قواعد سنتی حقوقی در کشورمان را تعدیل نموده یا به کلی با تغییر روبه‌رو ساخته است. متناسب‌سازی کیفر بزه پولشویی از طریق کیفرگذاری حبس و جزای نقدی معادل با اموال نامشروع حاصله از بزه، تشدید عام و خاص کیفر بزهکاران خطرناک پولشویی از جمله سازمان‌یافتگی آنان، توجه بیش‌ازپیش به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دخیل در ارتکاب پولشویی، گسترش دایره بزهکاران وابسته به بزه پولشویی از جمله شرکا و معاونان بزه و تعیین کیفر متناسب برای آنان و حمایت از حقوق اشخاص ثالث دارای حسن‌نیت در فرایند توقیف و مصادره اموال مشکوک از جمله تدابیری است که از منظر سیاست کیفری ماهوی مورد توجه قرار گرفته‌اند. از منظر سیاست کیفری شکلی و افزایش ضریب سرعت و اطمینان کشف بزه پولشویی می‌توان به تعدیل اصل بی‌گناهی در صورت وجود ظن قوی به ارتکاب بزه، ایجاد نهادهای تخصصی جدید در زمینه نظارت بر عملیات مالی مشکوک و کشف بزه، افزایش

۱. اصل ۴۷ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.»

ضابطان قضایی خاص و پذیرش مصادره اموال مشکوک، پیش از محکومیت کیفری متهم اشاره نمود.

با این وجود، تدابیر مفید و قابل قبول مورد اشاره خالی از کاستی و ایراد نبوده و در برخی موارد با نقطه مطلوب فاصله دارند. بنابراین، بایسته می‌نماید کاستی‌های موجود در راستای فرایند تقنینی جاری مورد توجه قرار گرفته و به منظور افزایش کارایی سیاست کیفری مبارزه با پول‌شویی مرتفع گردند. از این رو، پیشنهاد می‌شود:

(۱) در خصوص اشخاص حقوقی بزه‌کار، علاوه بر کیفرهای مقرر در قانون، موضوع اصلاح ساختار حقوقی و مدیریتی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته و زمینه‌های فساد و تکرار بزه با استفاده از تجربیات کشورهای پیش‌رو در این زمینه به حداقل ممکن رسانده شود.

(۲) کیفرهای قانونی و به‌ویژه جزای نقدی باتوجه به قاعده نسبت، تعیین گردیده و براساس میزان درآمد و گردش مالی و توان اشخاص حقوقی تعیین گردد.

(۳) باتوجه به اسناد بین‌المللی موجود، در خصوص کیفر قانونی معاونان بزه پول‌شویی باتوجه به نقش برجسته آنان در ارتکاب بزه، مقتضی است همانند شرکای بزه، کیفر یکسانی با مرتکب اصلی تعیین گردیده تا میزان بازدارندگی قانون افزایش یابد.

(۴) چهارچوب اختیارات نهادهای عام ناظر بر مفاصد مالی همچون سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات مورد بازنگری قرار گرفته و از موازی‌کاری در مبارزه با پول‌شویی و تداخل وظایف با نهاد تخصصی مرکز اطلاعات مالی جلوگیری به عمل آید.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، شهرام؛ صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۲)، «تحلیل جرم‌شناختی جرائم اقتصادی»، پژوهش حقوق کیفری، سال ۲، ش ۵، صص ۱۷۴-۱۴۷.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چ ۴۵، تهران: نشر میزان.
۳. باقرزاده، احد (۱۳۹۴)، پول‌شویی در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین‌المللی، ج ۱، تهران: نشر میزان.
۴. حاجی، نرگس؛ سایبانی، علیرضا (۱۳۹۸)، «پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته با نگاهی به قانون پول‌شویی»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، ش ۴۰، صص ۱۰۶-۸۹.
۵. حیدری، مسعود (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی جرم پول‌شویی در فقه، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ۵، ش ۳، صص ۹۰-۶۷.
۶. خالقی، علی (۱۳۹۴)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چ ۴، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

۷. رحیمی، امین‌حسین؛ خویینی، غفور (۱۳۹۴)، «مبارزه با پول‌شویی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نقش دیوان محاسبات کشور»، دانش حسابداری، ش ۶۰، صص ۲۴-۵.
۸. رحیمی، موسی؛ رحیمی دهسوری، رضا (۱۳۹۶)، «گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری»، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.
۹. رستمی، هادی (۱۳۹۸)، «تحصیل مال از طریق نامشروع در پرتو مقررات پول‌شویی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، ش ۲، صص ۳۹۷-۴۱۷.
۱۰. ساریخانی، عادل؛ فتحی، مرتضی (۱۳۹۴)، «عناصر موضوعی جرم پول‌شویی در قانون مبارزه با پول‌شویی ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، ش ۴ و ۵، صص ۲۵۶-۲۳۷.
۱۱. سماواتی پیروز، امیر (۱۳۹۰)، «تأملی بر جرائم اقتصادی از منظر بایسته‌های حقوق جزای اقتصادی»، تحقیقات حقوقی، ش ۵۶، صص ۶۷۶-۶۴۵.
۱۲. سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید؛ ثالث مؤید، احمدعلی (۱۳۹۶)، «حقوق کیفری اقتصادی؛ پول‌شویی»، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۱۳. شریفی، محسن (۱۳۹۷)، «گستره مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و اسکاتلند»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، ش ۲، صص ۳۳۴-۳۱۳.
۱۴. شمس ناتری، محمدابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم؛ ریاضت، زینب (۱۳۹۵)، «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی»، چ ۱، ج ۳، تهران: نشر میزان.
۱۵. صفاری، علی (۱۳۹۰)، «کیفرشناسی»، چ ۱۶، تهران: انتشارات جنگل.
۱۶. طحان نظیف، هادی؛ هادی‌زاده، علی (۱۳۹۷)، «ماهیت قوانین برنامه توسعه در نظام حقوقی ایران»، دانش حقوق عمومی، ش ۲۱، صص ۱۲۶-۱۰۳.
۱۷. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۰)، «حقوق کیفری فناوری اطلاعات»، چ ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
۱۸. عباسی، اصغر (۱۳۹۳)، «حقوق کیفری اقتصادی: پول‌شویی»، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۱۹. لازرژ، کریستین (۱۳۹۰)، «درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی»، چ ۲، تهران: نشر میزان.
۲۰. میرترابی، سیدسعید؛ کشوریان آزاد، محسن (۱۳۹۷)، «تأثیر پول‌شویی بر رشد تروریسم سازمان‌یافته در خاورمیانه»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۳۶، صص ۱۶۶-۱۳۳.
۲۱. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵)، «حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی»، چ ۲۷، تهران: نشر میزان.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۰)، «دانشنامه جرم‌شناسی»، چ ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.

(ب) غیر فارسی

23. Aldridge, Peter (2003), **Money Laundering Law: forfeiture, Confiscation, Civil Recovery, Criminal Laundering and Taxation of the Proceeds of Crime**, Hart Publishing.
24. Bantekas, Ilias (2003), **International Criminal Law**, Second Edition, Cavendish, Australia.

25. Carr, Claudia and Jonson, Maureen (2013), **Beginning Criminal Law**, First Edition, Routledge.
26. Chaikin, D.A (1992), "Money Laundering as a Supra National Crime: an Investigatory Perspective", A Eser and Olagodny, Freiburg, Max Planck Institute, pp.223-245.
27. Cluterback, Richard (2010), **Drug, Crime and Corruption**, London, Macmifam Press.
28. Elliot, Catherine (2006), **Criminal Law**, Pearson/Longman.
29. FATF (2003), Forty Recommendations of the Financial Action Task Force on Money Laundering and Terrorist Financing.
30. Garner, Bryan (2011), **Black Law Dictionary**, 4th Edition, Thomson Reuters Business.
31. Madinger, John (2009), **Money Laundering: A Guide for Criminal Investigators**, New York, CRC Press.
32. Sendip, Savla (2001), **Money Laundering and Financial Intermediaries**, London, Kluwer Law International.
33. United Nations Convention against Transnational Organized Crimes (2000), Palermo.
34. United Nation Convention against Illicit Drugs and Psychotropic Substances (1988), Vienna.
35. United Nation Convention against Corruption (2003), Merida.